

طبقه کارگر ایران و چشم انداز سیه روزی بازهم بیشتر

کمیته هماهنگی

پنجشنبه دوم آبان ۱۳۸۷

موج کوبنده بحران، تمامی دولت ها، نمایندگان فکری و سیاسی و کل برنامه ریزان نظم تولیدی سرمایه را در سراسر جهان به وحشت انداخته است. همه جا گفتگوی مقابله با بحران است و همه جا مضمون این گفتگوها را از بالا تا پایین می توان در این نکته خلاصه کرد که چگونه می توان کل بار این بحران را با تمامی قدرت کوبنده اش یکرست و سیلاب وار بر کومه های نمور، محقر، ویران و فقرزده توده های کارگر دنیا سرشکن نمود. بساط این ترفندها در سراسر دنیا بر روی میز کار تمامی دولتمردان و نمایندگان سرمایه پهن است. سرمایه در همه مناطق دنیا خطر فروپاشی شیرازه حیاتش را به طور لحظه به لحظه چون پتک بر مغز این جماعت می کوبد و آنان را وادار می دارد تا در کار یافتن راه چاره دقیقه ای درنگ نکنند. خزان رقت انگیز بازمانده های آنچه روزی روزگاری جنبش کارگری اروپا از دستان قاهر سرمایه خارج ساخته بود بازهم با شتاب هولناک در راه است. دولت ها همه جا به برنامه ریزی برای سلاخی وحشیانه کارگران جهان مشغولند و صاحبان تراست های صنعتی، مالکان مراکز مالی و سرمایه داران کشورها دست در دست اتحادیه های کارگری بسیارزودتر از این بگومگوها و بدون هیچ نیاز به چرخیدن در طول و عرض بوروکراسی سرمایه، صدتا صدتا و هزارتا هزارتا و شاید هم فوج های بسیار بزرگ تر توده های کارگر را به دار بیکارسازی حلق آویز می کنند. کارتل های عظیم خودروسازی از اروپا تا آمریکا زودتر از سایرین دست به کار شده اند و تا همین امروز چندین هزار کارگر را اخراج کرده اند. بازنشستگان کارگر در صف مقدم قربانیان قرار دارند و در این میان قربانیان آمریکایی زخم های کاری تری از همزنجیران اروپایی خویش تحمل کرده اند. این که در روزهای بعد دقیقاً چه بر سر آنان خواهد آمد چندان روشن نیست. اما در طول یکی دو هفته اخیر حداقل ۳۰ درصد حقوق سال های آتی خویش را به طور کامل از دست داده اند. سازمان جهانی کار به عنوان نهاد هموارسازی راه تعرض سرمایه علیه توده های کارگر از چند روز قبل با صدور اطلاعیه ای به همه کارگران دنیا بشارت داده است که در روزهای آینده حداقل ۲۰ میلیون نفر دیگر از آنان بیکار خواهند شد و طبعاً - با احتساب جمعیت خانواده های آنان - صد میلیون نفر دیگر از نفوس طبقه کارگر با شمشیر بُرنده گرسنگی قتل عام خواهند شد. کارگران اروپا سال های زیادی است که تیغ سلاخی سرمایه را بر گردن آن چه روزگاری داشتند لمس کرده اند و اینک این تیغ می رود تا بازهم سخت تر به استخوان های آنان بنشیند. این که آیا با امواج کوبنده و انسان کش بحران سرمایه داری مقابله خواهد شد و این امواج به سوی خود سرمایه برگردانده خواهد شد یا نه پرسشی است که پاسخ آن را فقط کارگران کشورهای مختلف جهان می توانند بدهند.

در مورد آینده طبقه کارگر ایران تا آنجا که به این موج تهاجم سرمایه مربوط می شود بی هیچ تردیدی می توان گفت که اوضاع از جهنم کنونی هم هولناک تر خواهد شد. در این جا سی سال تمام است که تندباد توحش سرمایه حتی دقیقه ای از کار قلع و قمع زندگی توده های کارگر باز نایستاده است. دستمزدهای واقعی کارگران حتی در بهترین حالت در قیاس

با سی سال پیش به صورت فاحش تنزل یافته است. اینجا برای آن که همان نان به خور و نمیر کارگران هم از دم تیغ سود جویی بی امان سرمایه بگذرد نیاز چندانی به شتاب بیشتر و کوبنده تر موج بحران نیست. سرمایه در همان تاخت و تاز تا کنونی خویش به اندازه کافی این کار را با زندگی چند ده میلیون نفوس کارگری ایران انجام داده است. با این همه، شرایط کنونی، آستان شروع تاخت و تازهای سرمایه در ابعاد بسیار فاجعه بارتر و هولناک تر است. دولتمردان نظام سرمایه داری ایران بسی دروغ می گویند وقتی خطر تشدید بیشتر بحران اقتصادی سرمایه در ایران را کمرنگ نشان می دهند. سرمایه داری ایران نه فقط همچون هر جامعه سرمایه داری دیگر تمامی فشار بحران های جبری و ذاتی سرمایه را در روند بازتولید خود تحمل خواهد کرد بلکه مثل همیشه حوزه سرریز بار بحران سرمایه جهانی نیز خواهد بود. موج بحران از همین حالا با تمام قدرت در شریان حیات سرمایه ایران پیچیده است و در آینده بسیار سخت تر خواهد پیچید. با کاهش قیمت نفت در اثر بحران جهانی سرمایه، میزان اضافه ارزش های نفتی حاصل از استثمار طبقه کارگر بین المللی که به حوزه بازتولید سرمایه داری ایران سرریز می شود از نصف نیز کمتر شده است. آنچه در ازای فروش نفت عاید دولت سرمایه داری ایران می شود اضافه ارزشی است که خود عمدتاً به سرمایه تبدیل می شود. با نصف شدن اضافه ارزش های نفتی، میزان سرمایه ای که هر سال توسط سرمایه داران ایرانی در حوزه های انباشت داخلی سرمایه گذاری می شود نیز به نصف خواهد رسید. دولتمردان سرمایه این را خوب می دانند، اما مثل همیشه در ژرفنای بحران از رونق سخن می گویند. در طول چند سال گذشته بر اساس آمارهای دولتی صدور سرمایه های خارجی ۷۰٪ و واردات کالا حدود ۳۰٪ رشد داشته است. کاهش اضافه ارزش های نفتی و ذخیره ارزی نه فقط به این روند آسیب خواهد زد بلکه شمار زیادی از سرمایه داران را در مبادلات عظیم تجاری خود سخت در تنگنا قرار خواهد داد، که البته آنان نیز این تنگناها را با شدت هرچه بیشتری روی سر کارگران آوار خواهند کرد. از این ها که بگذریم، سرریز موج بحران به حوزه بازتولید سرمایه اجتماعی ایران، بهای تشکیل بخش ثابت سرمایه را به صورت چشمگیر بالا خواهد برد و صاحبان سرمایه در جریان سامان پذیری سرمایه هایشان مجبور خواهند شد که هر دو جزء استوار و گردشی سرمایه های ثابت را به قیمتی گزاف تر از سابق از بازار جهانی تهیه کنند. این امر به معنای بالارفتن هزینه تولید کالاها و کاهش سود سرمایه ها خواهد بود. طبعاً و چنان که سرشت سرمایه است، بحران همه بخش های سرمایه را یکسان و همتر از در کام خود فرو خواهد برد. بخش هایی بیشتر غرق خواهند شد و بخش هایی نه فقط غرق خواهند شد بلکه لاشخورتر و سرمست تر از پیش از منجلاب بحران بیرون خواهند آمد. این امر به نوبه خود مجادلات درونی طبقه سرمایه دار را حادثر خواهد کرد و در همین راستا اپوزیسیون نمایی پاره ای جریانات درون این طبقه را به دنبال خواهد آورد.

این ها همه حقایقی است که چشم انداز وقوع آن ها اینک در پیش روی ما ظاهر شده است. جزئیات وقوع این چشم انداز به هر صورت باشد در یک نکته هیچ تردید نمی توان کرد و آن این است که سرمایه داران و دولت آن ها در همه مناطق جهان از جمله در ایران تمام بار بحران را بر زندگی توده های کارگر سرشکن خواهند کرد. یکه تازی بی مهار سرمایه داران ایران و دولت آن ها در انجام این کار چیزی است که طبقه ما در لحظه لحظه تاریخ حیات خود آن را تجربه کرده است و ابعاد عظیم آن را با گوشت و پوست لمس کرده است. سیل ویرانگر بحران بر بستر برنامه ریزی دولتمردان و صاحبان سرمایه بسیار بی امان تر از آنچه تاکنون تجربه کرده ایم ما را در خود غرق خواهد کرد و این در حالی است

که جنبش ما زیر فشار یک قرن سرکوب هار پلیسی از یک سو و تأثیرات مخرب رویکردهای راست و چپ رفرمیستی از سوی دیگر بسیار ضعیف و فرسوده شده است. سرمایه داران سخت مصمم هستند تا باز هم ته مانده های سفره خالی فرزندان ما را با سنگدلی و شقاوت هر چه سهمگین تر دستمایه جبران کاهش سود سرمایه های خود سازند و وضعیت ضعیف و اسفبار جنبش ما زمینه بسیار مساعدی است که آنان را برای این جنایت توانمندتر می کند. این که توده های همزنجیر و فعالان جنبش ما این خطر را تا چه حد جدی خواهند گرفت باید منتظر ماند و دید. اما ابعاد فاجعه بسیار عظیم تر از آن است که هیچ کارگر و هیچ فعال جنبش کارگری بتواند از آن چشم بپوشد. بر این اساس، ما وظیفه خود می دانیم که تمام همزنجیران خود را به تدارک برای مقابله با این خطر فراخوانیم. باید دست به کار شد و باید کاری کرد که علاج واقعی درد باشد. همه ما دیری است که از ضرورت اتحاد و سازمانیابی و پیکار متحد حرف می زنیم. شرایط کنونی پرداختن به این کار را از نفس کشیدن هم برای ما واجب تر کرده است. مسئله بسیار اساسی در این راستا مرور دوباره، فعالانه و اندیشیده کاری است که باید انجام دهیم. ما نیاز به اعمال قدرت علیه سرمایه و سرمایه داران و دولت سرمایه داری داریم. هر نوع تلاشی که به این نیاز پاسخ ندهد تلاشی عبث و محکوم به شکست است. لازم است همه ما به این پرسش ها فکر کنیم که: قدرت ما چگونه باید ظاهر شود؟ ظرف واقعی ظهور این قدرت چیست؟ راهکار اعمال قدرت ما کدام است؟ و بالاخره چه چیزی باید نقش ریسمان و زنجیره اتحاد و اعمال قدرت ما را بازی کند؟

همزنجیران!

طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری ایران تمامی بار بحران را بهمن وار بر سر و روی زندگی ما فرو خواهد ریخت و ما برای دفاع از ادامه حیات خود، برای زنده ماندن خود و زن و فرزندان مان راهی جز مقابله نداریم. برای سازمانیابی یک مقابله موفق احتیاج داریم که به پاسخ پرسش های بالا بیندیشیم و آن ها را با هم در میان گذاریم. نخستین پرسش این است که قدرت ما چگونه باید ظاهر شود؟ پاسخ ما به این پرسش بسیار روشن است. ظهور قدرت ما فقط و فقط در فشردن گلوی سرمایه است. ما فقط هنگامی می توانیم قدرت خود را به طور واقعی و طبقاتی اعمال کنیم که سرمایه و سرمایه داران و دولت آن ها با لمس فشار سهمگین آن احساس خفگی کنند. معنای این سخن آن است که هر مبارزه و اعتراض و خیزش کارگران لزوماً اعمال قدرت آنان نیست. کافی است فقط به این مثال زنده توجه کنیم. کارگران چینی اشکان ماه ها بود که برای گرفتن دستمزدهای معوقه خود اعتراض می کردند. دست به تحصن می زدند، شکایت می کردند و حتی اعتصاب راه می انداختند. اما هیچ کس هیچ پاسخی به آنان نمی داد. همین کارگران دیروز ریل پیکار خود را عوض کردند. آنان همه ماشین آلات کارخانه را تصرف کردند و دست به مصادره اموال کارخانه زدند. این کار غوغا به راه انداخت و سرمایه دار فوراً خواستار آشتی شد و اعلام کرد که دستمزدها را پرداخت خواهد کرد. چرا؟ جواب کاملاً روشن است. سرمایه دار حریم مالکیت خود را در معرض شکستن دید. ماشین آلات کارخانه سرمایه او است. سرمایه ای که حاصل استثمار کارگران است و او با مالکیت آن به استثمار کارگران ادامه می دهد. کارگران به سرمایه حمله کردند و با این کار قدرت واقعی طبقاتی خود را به معرض نمایش نهادند. کافی است فقط به این بیندیشیم که ماه های طولانی مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه یا لاستیک البرز یا لوله سازی خوزستان یا مبارزات صدها هزار کارگر در جاهای دیگر این چنین سرمایه داران و دولت آن ها را به وحشت نینداخت. پس اعمال قدرت ما باید خود را در معرض به سرمایه و روند ارزش افزایی و سودسازی سرمایه نشان دهد. دومین پرسش این

است که ظرف واقعی ظهور این قدرت چیست؟ پاسخ ما باز هم شفاف است: ظرفی که بتواند قدرت ماعلیه سرمایه را در درون خود حمل کند. پیداست که این ظرف باید نوعی تشکل کارگری باشد. اما فراموش نکنیم که گاه عظیم ترین و وسیع ترین تشکل های کارگری نه ظرف اعمال قدرت بلکه کاملاً برعکس باتلاق هرزدهی کل دار و ندار قدرت طبقاتی ماست. انجمن های صنفی و شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر و سندیکاها و اتحادیه های کارگری در ایران یا دنیا و مانند آن ها همه در شمار این گونه تشکل ها قرار دارند. ما نیاز به برپایی تشکل هایی داریم که قدرت متحد توده های طبقه مان را عملاً علیه سرمایه به صف کند، و این نیز براساس تجربه تاکنونی کارگران جهان چیزی جز شورا نیست. در باره پرسش سوم یعنی راهکار اعمال قدرت نیز شاید با توضیحات بالا بحث بیشتری لازم نباشد. برای کارگران شرکت نفت و گاز و حمل و نقل و آب و برق و معلمان مدارس و پرستاران بیمارستان ها یا خودروسازی ها و همه مراکز حساس و مهم کار و تولید بی گمان راهکار اعمال قدرت، اعتصاب است. اما برای کارگران کارخانه های در معرض تعطیل، اعتصاب راهکار اعمال قدرت نیست. در اینجا تصرف کارخانه است که سرمایه را دچار وحشت و احساس خفگی خواهد کرد. و سرانجام پاسخ پرسش چهارم یعنی ریسمان اتحاد و زنجیره اعمال قدرت ما نیز چیزی جز «منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران» نمی باشد.

همزنجیران!

خطر غرق شدن کل زندگی و هست و نیست ما در امواج بحران سرمایه بسیار جدی است. باید برای تدارک مقابله با این خطر به پا خیزیم. نظر ما را در مورد این تدارک در بالا و نیز در دیگر انتشارات ما خواندید و خوانده اید. ما شما را فرامی خوانیم که به این پاسخ ها و به طور کلی راه های مقابله با امواج بی امان و خانمان سوزی که دارد به سرعت به سوی ما می آید تا همین زندگی بخور و نمیر ما را نیز نیست و نابود سازد، بیندیشید و آن ها را به موضوع بحث محیط های کار و زیست خود تبدیل کنید.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲ آبان ۸۷

www.hamaahangi.com

hamaahangi@gmail.com